

چکیده

حقیقت آن است که امروزه رفتار و طرز تفکر انسانها ناشی از فرهنگ حاکم بر آنان می‌باشد و فرهنگ، خود منبعث از میزان و کیفیت آموزشهایی است که مردم به صورت گوناگون دریافت کرده‌اند. ایجاد تحولات فرهنگی در مردم به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با جریان توسعه اقتصاد - اجتماعی ملتها، گامی مهم در تسهیل حرکت توسعه بوده و هدفی والا برای دستیابی به رشد مستمر و روزافزون اقتصادی هر کشوری می‌باشد.

از آنجا که رفتار، هنجار و عادات زندگی از دوران کودکی آموخته می‌شود، جامعه می‌تواند با آموزشهای منسجم و مدون در رفتار و کردار مصرفی و تولیدی نوجوانان، تحولات قابل توجهی بوجود آورد و با چنین سرمایه‌گذاری‌هایی نه تنها به صرفهجویی‌های مهمی دست یابد، بلکه در آینده نیروی کاری پر تلاش، کارا و نوآور در اختیار داشته باشد.

منابع تولیدی قابل بهره‌برداری در جهان امروز محدود است، در حالی که تقاضا برای این منابع با توجه به رشد سریع جمعیت و ارتقای سطح زندگی در حال افزایش است، چنانچه اکنون نتوانیم با آموزشهای اقتصادی اصولی و ضروری در رفتار مصرفی و تولیدی نوجوانان تغییراتی بوجود آوریم، بی‌شک نسل آینده با مشکلات اقتصادی - اجتماعی بی‌شماری روبرو خواهد بود. هدف از ارائه این مقاله، تحلیلی از تأثیر آموزشهای اقتصادی در رفتار مصرفی و تولیدی نوجوانان و پیامدهای اجتماعی آن می‌باشد. ابتدا به بحثی پیرامون اثر آموزش و پرورش در رفتار مردم پرداخته شده و محدودیت

منابع و نقش صرفهجویی‌های جوانان در استفاده کارا تر از آنها را مورد مطالعه قرار داده و سپس به

تأثیر آموزشهای اقتصادی در عادات زندگی جوانان و عقلایی شدن رفتارهای مصرفی و تولیدی جامعه پرداخته خواهد شد.

تأثیر آموزش و پرورش در تحول فرهنگی و ساخت سرمایه انسانی

فرهنگ عبارتست از علم و دانش، معتقدات مذهبی، عادات و رسوم، هنر و قانون معمول در جامعه که بر رفتار مردم حاکمیت دارد. ایستایی و پویایی فرهنگ هر جامعه بسته به تحولات و تغییراتی است که هر یک از عوامل تشکیل دهنده فرهنگ در ابعاد زمان پیدا می‌کنند. هر قدر این تحولات بطئی‌تر و آرام‌تر، فرهنگ جامعه ایستاتر و هر اندازه تغییرات سریعتر، فرهنگ آن جامعه پویاتر خواهد بود. سرعت تغییرات هر یک از متغیرهای فرهنگی وابسته به میزان سرمایه‌گذاری‌های آموزشی است که در آن زمینه صورت می‌گیرد. به هر میزان که در هر یک از موارد فوق، آموزشهای بیشتری به جامعه داده شود انتظار می‌رود که سرعت تحولات در آن مورد بیشتر باشد.^۱

آموزش و پرورش ارزشها در هر جامعه موجب تغییرات کیفی در فرهنگ حاکم بر آن جامعه است.^۲ این تغییرات کیفی از طریق تحول در رفتار مردم و تشکیلات

نهادهای اجتماعی، بی‌شک می‌تواند پیامدهای کفنی بسیاری را در راستای توسعه اجتماعی و اقتصادی به ارمغان آورد. توسعه و رشد اقتصادی که در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی افراد جامعه حاصل می‌شود، خود منبعث از رفتارهای انسانی هر جامعه و ارزشهای فرهنگی حاکم بر آنها می‌باشد. بنابراین تنها انتظار منطقی که می‌توان از نظام آموزشی کشور در این جهت داشت، در ایجاد سه قابلیت اساسی در رفتارهای فردی هر جامعه خلاصه می‌شود:^۳

۱- قابلیت تحصیلی که نقش سنتی آموزش و پرورش است و بر رشد و گسترش سواد عمومی و کسب دانش به منظور قادر ساختن شخص برای ایفای نقش معنی‌دار و کامبخش در جامعه تأکید می‌ورزد.

۲- قابلیت شغلی و حرفه‌ای به دلیل تحولات سریع تکنولوژیک در جهان امروز.

اقتصادی

آموزش‌های

دکتر مصطفی عمادزاده و مسعود هاشمیان

نقش

در نقد فرهنگ و رفتار نوجوانان

هنجار کودکان را در عادات مصرفی، مشارکت در بنیان‌های تولیدی، پسرانداز، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای نیل به رشد اقتصادی بیشتر، منطقی‌تر و عقلایی‌تر نمود، در نتیجه هر نوع هزینه در آموزش نوجوانان، بازده قابل ملاحظه‌ای در بلند مدت برای جامعه خواهد داشت.^۶

نفوذ فرهنگ از طریق طبقه اجتماعی و خانواده در کودکان، در چارچوب الگوها و هنجارهای رفتاری است که از طفولیت به آنها القا می‌شود. چنین نفوذی از زمان کودکی، افراد را در تمام طول زندگانی، در اعمال و رفتار، کنش‌ها و واکنش‌ها شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. روحیات، انگیزه‌ها و حتی شخصیت انسان‌ها ناشی از مجموعه آموزش‌هایی است که در محیط خانواده و مدرسه و جامعه به آنها داده شده، رفتار و اعمال آنان را در طول زندگی تحت نفوذ خود دارد.^۷ بی‌شک سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در دوران نوجوانی دارای پیامدهای اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای جامعه می‌باشد و راه نیل به توسعه را هموارتر خواهد نمود.

۲- محدودیت منابع و لزوم تخصیص عقلایی آن

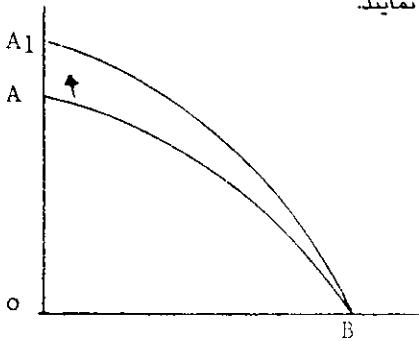
بطور کلی منابع موجود در جامعه محدودند و اصالت و اهمیت دانش اقتصاد در تخصیص بهینه منابع برای نیازهای متنوع و روزافزون مردم تجلی می‌یابد. چنانچه منابع موجود در جامعه را به سه گروه کلی منابع انسانی، منابع فیزیکی و منابع طبیعی تقسیم نماییم. میزان تولید هر

امروز جهانی، که به نظر می‌آید در آینده نیز سریع‌تر خواهد شد، تحولات فرهنگی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه اجتناب‌ناپذیر خواهند بود. اکنون که دانش و مهارت به عنوان عامل مسلط تولید (و حاصل عملکرد صحیح نظام آموزشی کشور) قلمداد می‌شود، و حال که ثروت جوامع عمدتاً مبتنی بر دانش و مهارت ذخیره شده در مردم، و کمتر متکی بر ثروت‌های مادی و منابع طبیعی آنان می‌باشد، آن جوامعی که از دانش بیشتری برخوردارند، به تکنولوژی برتری دسترسی دارند و قادرند به تولید انبوه و رشد اقتصادی افزون‌تری نایل آیند.^۵ فرآیند توسعه اقتصادی در بلند مدت قابل حصول است و نیل به آن، ناشی از تحولات مداوم در مبانی علمی-فنی تولید و تغییر در رفتار اجتماعی و نهایتاً فرهنگ انسان‌هاست. چنین فرآیندی موجب افزایش رفاه اقتصادی جامعه خواهد شد. به منظور درهم شکستن دور و تسلسل فقر در کشورهای در حال توسعه، یکی از عمده‌ترین روشها، تواناتر ساختن جوانان از طریق سرمایه‌گذاری‌های آموزشی از دوره دبستان و راهنمایی است. با آموزش‌های منسجم می‌توان رفتار و

۲- قابلیت تدبیر و تدبیر، تصمیم‌گیری و آینده‌نگری.

در حقیقت میزان مشارکت فعال مردم در امور اقتصادی جامعه وابسته به میزان تحصیلات، تعهد و پذیرش مسئولیت اجتماعی آنها بوده و آموزش و پرورش با ایجاد قابلیت‌های تحصیلی و شغلی در مقاطع مختلف تحصیلی، بخصوص از دوره راهنمایی تا دانشگاه همراه با سایر آموزش‌های علمی و فنی، انضباط، تقید، تعهد، احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی و میهن‌دوستی را نیز به جوانان می‌آموزد. اما این نقش اضافه آموزش و پرورش است که به «قابلیت تدبیر و تدبیر» تعبیر شده و موجب می‌شود که فرد فارغ‌التحصیل به صورت شخصی مصمم و با اراده ثابت قدم و متکی به خویش، انعطاف‌پذیر و سازگار، برنامه‌ریز و سازمان‌دهنده، متفکر و خلاق، صرفه‌جو و نوآور، وارد محیط کار و فعالیت‌های اقتصادی جامعه خود شود.^۴ با توجه به دگرگونی‌های تکنولوژیکی

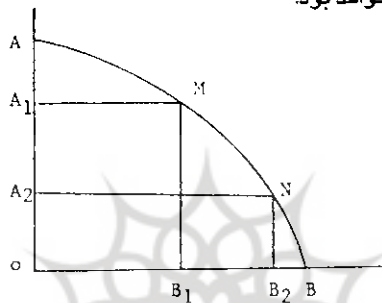
لیکن چنانچه جامعه بتواند بطریقی در مصرف منابع خود صرفه‌جویی‌هایی را انجام دهد، خواهد توانست با منابع کمتری به تولید بیشتری دست یابد و منحنی امکانات تولید خود را با وجود محدود بودن منابع، ارتقا دهد. به عنوان مثال چنانچه کشاورزان بیاموزند که چگونه در مصرف آب صرفه‌جویی نمایند، خواهند توانست با آب صرفه‌جویی شده زمین بیشتری را زیر کشت گندم ببرند و منحنی امکانات تولید را در مورد غذا از نقطه A به نقطه A_1 منتقل نمایند.



به علاوه ارتقا سطح دانش و تکنولوژی در مورد نحوه کاشت، داشت و برداشت تولید پنبه می‌تواند از طرف دیگر موجب افزایش تولید پوشاک گردد. به عنوان مثال چنانچه به کشاورزان آموزش داده شود تا چگونه به روش‌های علمی پنبه تولید نمایند، از چه بذر اصلاح شده‌ای استفاده کنند، در چه هنگام و از چه نوع کودی و چه اندازه‌ای استفاده نمایند، تمام عوامل فوق موجب خواهد شد، با وجود محدودیت منابع، منحنی امکانات تولید، در مورد پوشاک از نقطه B به نقطه B_1 در نمودار شماره ۴ منتقل شود. با مثال‌های بسیار ساده فوق قصد این است که نشان داده شود با وجود منابع محدود، با صرفه‌جویی بیشتر در مصرف عوامل تولید و با دانش برتر در نحوه استفاده از عوامل تولید به روش‌های نوین، جامعه قادر خواهد بود همواره به مقادیر بیشتر و بیشتری از تولید دست یابد. با توجه به رشد سریع جمعیت و تقاضاهای اشباع نشده در جامعه، بایستی در هر دو زمینه تلاش شود تا تولید ملی افزایش یابد. برای چنین افزایشی در تولید

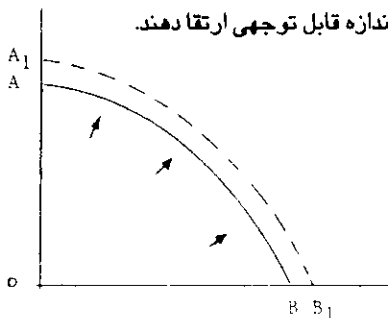
جامعه وابسته به مقدار منابع و نحوه بکارگیری و استفاده از این منابع می‌باشد. هر قدر منابع بیشتر باشند و یا دانش استفاده از منابع غنی‌تر باشد با منابع موجود می‌توان به تولید بیشتر اجتماعی دست یافت.

برای تفهیم بهتر موضوع از منحنی‌های امکانات تولید مدد می‌گیریم. چنانچه فرض شود با منابع موجود در جامعه فقط به تولید غذا و یا فقط به تولید پوشاک بپردازیم، منحنی امکانات تولید جامعه ما به صورت نمودار شماره یک خواهد بود.

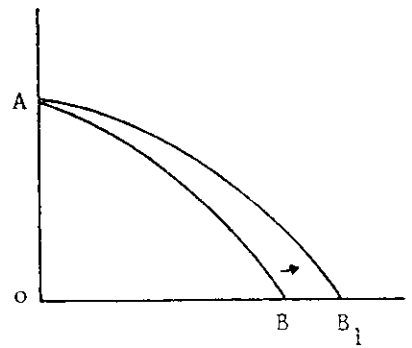


اگر تمام امکانات جامعه صرف تولید مواد غذایی گردد جامعه به مقدار A تن مواد غذایی دست خواهد یافت. و یا اگر کل منابع جامعه به تولید پوشاک اختصاص می‌یابد و دیگر مواد غذایی تولید نگردد، جامعه به مقدار B میلیون متر پارچه دست خواهد یافت. از طرفی، جامعه نیز می‌تواند به ترکیبی از تولید مواد غذایی و پوشاک دست بزند و نقاطی مثل نقاط M و N را روی منحنی امکانات تولید انتخاب نماید.

از آنجا که امکان افزایش منابع محدود است و غالباً کمابیش متناسب با رشد جمعیت می‌باشد، از نظر افزایش تولید یا رشد اقتصادی کشورهای نظیر کشور ما با محدودیت‌هایی مواجه‌اند و نمی‌توانند منحنی امکانات تولید خود را همه ساله به اندازه قابل توجهی ارتقا دهند.



با آموزش‌های منسجم می‌توان رفتار و هنجار کودکان را در عادات مصرفی، مشارکت در بنیان‌های تولیدی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای نیل به رشد اقتصادی بیشتر، منطقی‌تر و عقلایی‌تر نمود.



اجتماعی، جامعه نیازمند تحولات فرهنگی عمیقی در قشر تولیدکننده می‌باشد. از آنجا که تحول در افراد، در دوران کودکی و نوجوانی آنان، سریع‌تر و آسان‌تر است، بر جامعه است تا از طریق آموزش‌های مناسب در مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان در فرهنگ معرفی و تولیدی جوانان تغییرات اساسی ایجاد نماید. هر نوع آموزش مناسبی در این زمینه‌ها، موجب صرفه جویی در منابع و استفاده کارآتر از آنها خواهد شد. چنین سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، بی‌شک از بازده اقتصادی بالایی برخوردار خواهد بود. چراکه موجب می‌شود هر روز به سطح بالاتری از تولید دست یابد.

۳- آموزش‌های اقتصادی و تأثیرات کمی و کیفی آن

چنانچه بپذیریم که مصرف هر فرد براساس ذوق و سلیقه و رجحان‌های شخصی است، و با گذشت زمان عادات مصرفی و سلیقه‌های فردی متحول می‌شوند، و چنانچه قبول کنیم که ارضا بسیاری از نیازهای انسان جنبه اکتسابی دارد، و می‌توان از طریق آموزش در نحوه ارضاء نیازها، دگرگونی‌هایی بوجود آورد، در این صورت آموزش‌های مناسب اقتصادی در ایام نوجوانی می‌توانند تغییرات و تحولات چشمگیری را در عادات مصرفی احاد یک جامعه بوجود آورند.

بطور کلی این یک واقعیت است که سرمایه‌گذاری‌های آموزشی هر قدر زودتر انجام گیرند، بازده آن در سالهای بیشتری قابل دریافت و استحصال است. از طرف دیگر آموزش در ایام نوجوانی، کارآیی بیشتری دارد و قادر است رفتار و

هنجارهای فردی را شدیداً تحت تأثیر قرار دهد. از جمله آموزش‌هایی که بایستی از ایام نوجوانی سرمایه‌گذاری در آن آغاز شود، آموزش‌های اقتصادی است، زیرا در سنین ۱۰ - ۱۲ سالگی است که نوجوانان درک تازه‌ای از مسائل پولی و مالی و بود و نبوده‌های مادی پیدا می‌کنند. در این زمان آنها تمایل دارند تا با پول توجیبی یا مقرری ماهیانه خود براساس مطلوبیتی که کالاها و خدمات گوناگون برای آنها دارند پول خود را خرج نمایند.

حال چنانچه در این دوران آموزش‌های مناسبی به نوجوانان داده شود که چگونه و بچه منظور از منابع مالی محدود خود در ارضا نیازهای کوتاه مدت و بلند مدت خود استفاده نمایند، تأثیر چنین آموزش‌هایی نه تنها بر بودجه فردی و خانوادگی، بلکه بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید ملی تأثیر بسزایی خواهد داشت.

شاید عمده‌ترین اثر این آموزش‌ها در رفتار مصرفی جوانان، صرفه‌جویی‌هایی باشد که ایشان در مخارج روزمره خود و خانواده بوجود می‌آورند. حاصل این صرفه‌جویی‌ها، پس‌اندازی است که هر ساله می‌تواند از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد. عادت به پس‌انداز می‌تواند از یک طرف سطح مصرف را کاهش، و قدرت خرید حال را به آینده منتقل نماید، و از طرف دیگر با سرمایه‌گذاری این مبالغ می‌تواند در درآمدهای سالهای آتی تحولات اساسی بوجود آورد. چنین تحولاتی، از دیدگاه توسعه حائز کمال اهمیت است. چرا که از یک طرف با پس‌اندازهای بسیار کوچک در سطح خانوار می‌توان به سرمایه‌های قابل توجهی دست یافت و مشکل اساسی بسیاری از جوامع در حال توسعه را که فقدان سرمایه‌های کافی برای به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصادی کشور است جابگو بود و از طرف دیگر، این صرفه‌جویی‌ها موجب افزایش قدرت خرید خانوارها گشته و افزایش تقاضای

مؤثر در جامعه را در پی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

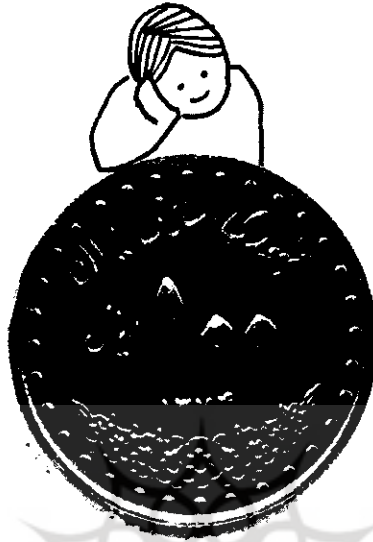
از آنجا که فرآیند توسعه اقتصادی حاصل از تحویل مستمر در مبانی علمی و فنی تولید و ناشی از تغییر در رفتار اجتماعی انسانهاست و چنین تغییر و تحولی در بستر زمان ممکن و میسر می‌باشد. جامعه باید در کودکان و نوجوانان سرمایه‌گذاری‌های آموزشی وسیعی را انجام دهد. این آموزش‌ها می‌توانند از یک طرف هنجارهای فردی و اجتماعی نسل آینده را در راستای جامعه‌ای غنی‌تر و مرفه‌تر متحول ساخته و از طرف دیگر جوانان آموزش دیده، نسلی فهیم، مدیر و مصممی را تشکیل خواهند داد که در تشکیل پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی آینده کشور برای نیل به رشد و توسعه اقتصادی مشارکت فراوان خواهند داشت.

به هر حال بازده چنین سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، بی‌شک فوق العاده قابل توجه و درخور اهمیت است و در این راستا موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱- نظام آموزشی ما امروزه وظیفه‌ای بیش از سواد آموزی برعهده دارد و برای چیره شدن بر هجوم فرهنگی بیگانگان و نیز ساختن نسلی آگاه، مدیر و با بهره‌وری و کارآیی بالاتر، جهت نیل به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باید آموزش‌های فنی و اقتصادی را با توجه به درک و فهم دانش‌آموزان همراه با آموزش‌های متداول هر چه سریعتر برنامه‌ریزی و اجراء نماید.

۲- شاخه پرورشی نظام آموزش و پرورش فعلی کشور می‌تواند در کلاس‌هایی سواً کلاس‌های درسی به این امر مهم اقدام ورزد، چرا که این آموزش‌ها می‌توانند در راه استقلال اقتصادی از نقشی مؤثر و حساس برخوردار باشند.

۳- آموزش‌های اقتصادی باید با شناخت منابع اساسی کشور، محدودیتهای موجود منابع تولیدی را به دانش‌آموزان



فهرست منابع و مآخذ (پی نوشت‌ها):

1. BECKER, G.S.: " A Treatise on the

Family " , Harvard University Press
Cambridge , Massachusetts, 1981 , P.9.

۲- یونسکو: "آموزش و پرورش برای همه" بانکوک،
تایلند، اوت ۱۹۹۰، ترجمه: مرکز تحقیقات آموزشی،
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ۱۳۷۰، ص ۱۰۶.
۳- عماد زاده مصطفی: "اقتصاد آموزش و پرورش"
چاپ دوم، جهاد دانشگاهی، دانشگاه اصفهان ۱۳۷۱، فصل
اول ص ص ۲۴-۲۳.

۴- توسلی، محمود: "سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و
توسعه اقتصادی" تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی
۱۳۷۱، ص ۵۳-۵۲.

5- BEBEAUVALS, M. : " Education in a
New International Economic Order " , Paris ,
IIEP, August1980. PP . 16-18.

6. SALAS , R,M : " The Role of
Population Education in the New
International Order " , in :SANYAL , B.C.
(ed):

" Higher Education and the New
International Order" Unesco , Paris 1982
PP. 113-123.

7- BECKER, G.S. : "The Economic
Approach to Human Behavior" , University of
Chicago Press, Chicago Illinois 1976.
P.III-115.

۸- ساخاروپولوس، ج ، و رودهال، م .: آموزش برای
توسعه: تحلیلی از گزینش‌های سرمایه‌گذاری " ترجمه پریدخت
وحیدی، وحید سهرابی، سازمان برنامه و بودجه، تهران
۱۳۷۰، ص ص ۹-۳۰۴.

9- DAY , B.B. : "Thinking and Doing.
Youth and a New Inter national Economic
Order" , Paris, Unesco , 1980. PP.28-32

10- MC MALLON, W.W.: " Consumption
and Other Benefits of Education " , in
SACLLARAPoulos, G. (ed.) L " 1988, PP.
129-137

۱۱- هلکت، ژاک،: " سرمایه‌گذاری برای آینده
آموزش و پرورش" ترجمه عبدالحسین نفیسی، تهران،
انتشارات مدرسه بهار ۱۲۷۱، ص ص ۲۰۸-۱۸۳.

۱۲- مرکز آمار ایران: "سالنامه آمار کشور
۱۳۷۰" تهران ۱۳۷۱ فصل ۲۲ هزینه و درآمد خانوار ص
ص ۵۷۰-۵۴۵.

تفهم نماید، سپس با معرفی نتیجه فرآیند
تولید یعنی کالاها و خدمات یا محصولات
نهایی، ارزش نهفته شده در پس هر کالای
مصرفی یا سرمایه‌ای را برای ایشان بیان
نماید.

۴- در آموزش‌های پیشرفته‌تر برای
دانش‌آموزان، باید آنها را با مفاهیم پولی و
ترکیبات مختلف بودجه‌ای (از پول توجیبی
یا مقرری ماهانه گرفته تا دستمزد پدر و
درآمد خانوار) آشنا سازیم تا اهمیت صرفه
جویی در مصرف و تشکیل پس انداز و
سرمایه‌گذاری برای ایشان روشن شده و
آنها را به مصرف عقلایی و پس انداز و
سرمایه‌گذاری هدایت و به واکنش‌های
صحیح اقتصادی عادت داد.

۵- در جهانی که ما زندگی می‌کنیم منابع
بشدت محدودند و بایستی نوجوانان را از
دوران کودکی به روشی منطقی از چنین
محدودیت‌هایی مطلع ساخت و کاربرد
عقلایی منابع را از دوران نوجوانی به آنان
آموخت. برای داشتن نیروی کارآ، متعهد و
مسئول فردا، بایستی امروز خود را برای
انواع آموزش‌های کاربردی مجهز نمائیم.

۶- بازده سرمایه‌گذاری در آموزش انسانها
به هیچ وجه کمتر از بازده
سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و مادی
نمی‌باشد. لیکن سرمایه‌گذاری در
سرمایه‌انسانی، بازده خود را در بلند مدت
نماین می‌سازد. اولیا جامعه بایستی
متقاعد شوند که سرمایه‌گذاری در مسائل
فرهنگی و اجتماعی پیامدهای مثبت و
پرباری را برای نسل آینده به همراه خواهد
داشت.

از جمله آموزش‌هایی که بایستی
از ایام نوجوانی سرمایه‌گذاری در
آن آغاز شود، آموزش‌های
اقتصادی است، زیرا در سنین ۱۲ -
۱۰ سالگی است که نوجوانان درک
تازه‌ای از مسائل پولی و مالی و
بوده و نبودهای مادی پیدا می‌کنند.

آموزش‌های اقتصادی باید با
شناخت منابع اساسی کشور،
محدودیت‌های موجود منابع تولیدی
را به دانش‌آموزان تفهیم نماید،
سپس با معرفی نتیجه فرآیند
تولید یعنی کالاها و خدمات یا
محصولات نهایی، ارزش نهفته
شده در پس هر کالای مصرفی یا
سرمایه‌ای را برای ایشان بیان
نماید.